

# علل سقوط شهرداری به لیگ دسته دو

سقوط تیم شهرداری به دسته دوم مهمترین و اولین سوژه ورزشی ها در فضای مجازی است و بدون شک رسانه های مكتوب استان نیز در موعد انتشار ، بیشتر به آن پرداخته و کارشناسان و صاحبان قلم و اندیشه در این ارتباط سخن ها گفته و مطالب خواهند نوشت.

اینکه شهرداری چرا در فصل جاری به خوبی عمل نکرد و در نهایت دل تماشاگران و عاشقان فوتبال منطقه شکست نیاز به بررسی کامل دارد و بارها یادآوری کرده ام که به نظر حقیر احساساتی برخورد کردن و یک عامل را گرفتن و بقیه را فراموش کاری اصولی و علمی نمی تواند باشد.

دیده می شود در فضای مجازی بحث در مورد علل سقوط تیم با اظهار نظر افرادی ناشناخته به یک عرصه نبرد غیر تحمیلی تبدیل می شود که بی ادبی و بی احترامی به کسانی که سال ها در ورزش حضور داشته و یا قلم زده اند نمونه ای از نتایج اینگونه بحث ها به شمار می رود. اعتقاد بر این دارم که برخی ها نفع خود را در آشفتگی و بی نظمی جو موجود بین دوستداران فوتبال و ورزش جستجو می کنند، با چهره ای ناشناخته و با قصد ایجاد دلخوری و کدورت بین توامندان عرصه ورزش و نویسندهای دردآشنا، امتحان پس داده و با پیشینه قابل قبول و قابل احترام وارد بحث شده و با دامن زدن به بحث ها با گل آلود کردن آب در انتظار ماهی گرفتن می مانند و با رد و بدل شدن هر کلمه و حرفی خارج از عرف و اخلاق ورزشی چون ابلیس خنده سر می دهند و با عملی شدن نقشه هایش به آینده امیدوارتر می شوند.

دلسوختگان فوتبال و ورزش در ورود به عرصه های بحث در مواردی که بُوی نفاق و تفرقه افکنی از آن به مشام بررسد باید خودداری نمایند . برای به کرسی نشاندن حرف حق و اثبات بعضی از کم کاری ها، ناملایمات و اقدامات خودسرانه و دخالت در اموری خارج از حیطه و مسئولیت با دلیل و مدرک و مثال های کافی به موقع در رسانه ها سخن می گویند و از حق و حقوق فوتبال اردبیل در مسیری صحیح و اصولی دفاع کنند.

گویند روزی میرزا آقاسی صدر اعظم ، دستور داد تا مقنی باشی در باغ او چاهی بکند. مقنی باشی حسب الامر مشغول شد، هرچه حفر کرد آبی بر نخاست، روزها و شب‌ها کار می‌کرد و خبری از آب نمی‌شد. میرزا هر چند روز یکبار برای سرکشی سرچاه می‌آمد و از مقنی سراغ آب می‌گرفت و از سرنوشت چاه می‌پرسید . پاسخ مقنی در طی این مدت نه هنوز بود تا اینکه روزی حوصله وی سرآمد و در جواب میرزا گفت: اگر آقا اجازه دهد این کار را ادامه ندهیم زیرا به نظر می‌رسد هر چقدر کار کنیم و بر دل زمین پیش برویم سا قطره ای آب رو برو نشویم. میرزا آقاسی به او گفت :: بکن و به کارت ادامه بده اگر برای من آب ندارد برای تو نان که دارد.

حال باید گفت اگر این فوتbal برای من و تو آب ندارد برای دیگران و چسبیده‌های آن نان و مقام و موقیت و اسم و رسم دارد. باید در سایه احساسات و با عجله تصمیم گرفتن ، فضا را برای کسانی که در چنین روایی به سر می‌برند آماده بکنیم. اینکه تیم سقوط کرده و با عجله کاسه کوزه‌ها را بر سر یک یا دو عامل بشکنیم آیا سقفی شکافته و می‌در ساغر ریخته می‌شود؟

بدون شک در زمین گیر شدن تیم شهرداری عوامل مختلف مقصرون و نقش ایفاء کرده‌اند. باید باور کنیم که در فرصت اندک با قیمانده تا شروع فصل یک کار علمی می‌طلبد تا بررسی شود که چگونه تیم به دسته یک صعود کرد ؟ به چه دلیل مدیر موفقی چون حجت الاسلام میر عباس زاده جابجا شد؟ هادی صباغی که در فراهم کردن زمینه صعود نقش غیر قابل انکاری داشت چرا از مجموعه باشگاه کنار گذاشته شد؟

مریض موفقی چون محمد ربیعی چگونه و با چه پیش زمینه ای عذرخواسته شد و مهدی دینورزاده با رایزنی چه افرادی دوباره به اردبیل باز گشت؟ چه عواملی فضا را برای دینورزاده تنگ کردند و زیر پایش را خالی نمودند؟ ربیعی چرا و چگونه برگشت و در دومین فصل از حضور تیم در لیگ یک به مرور با ایجاد فضای مناسب برکناری وی را کلید زدند و در نهایت چگونه احمدزاده و شیخ لاری آمدند و چرا با پشت کردن به تعهدات خود عطای ماندن در تیم را به لقا پیشیدند؟

ناگفته پیداست اگر چنین کاری اصولی و علمی پیش برود با به دست آمدن نتایجی در خور توجه می‌توان مقصرا یا مقصران عزادرار شدن هواداران و تماشاگران اردبیلی را به جامعه معرفی کرد و نقاب از چهره منافقان و منفعت طلبان و قدرت پرستان و نان به نرخ روز خور

ها و دلباختگان پست و مقام کنار زد و واقعیت های حاکم بر تیم شهرداری را بر ملا نمود.

نمی دانم اگر پیری و سواد اندکم این اجازه را بر من دهد شاید برای رسیدن به نتیجه ای این کار را پیگیری کنم تا بتوانیم راهی مناسب را برای مسئولان تیم در جهت سامان دادن به وضعیت باشگاه نشان بدھیم.